



# معصومیت‌های بزرگ‌شده

## روی دکاه فرهنگ



داستان رایگی از روزنامه‌های صبح شروع کرد «شرق» یک یادداشت کوتاه بود درباره کودکانی که عکسشان روی جلد بعضی از مجلات چاپ می‌شود. ابزاری برای تزئین!

گفتم: این یعنی ندیدن حق همسایگی اجاب عکس بزرگ دوزک شده به اصطلاح بازیگران اسپینا و تلویزیون که از فرط تکرار خسته کننده شده است. هزار جور دغدغه پشت سرش. شکل و شمایل اهل فرهنگ هم که کلاهی بی خریدار است و اصلاً این جور نشریات با این جور مقولات سروکار ندارند. پس چاره‌ای نیست جز چاپ عکس دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها برای تزئین روی جلد. اما مطلب را که خواندم دیدم قضیه جدی‌تر از آن است که بشود با چنین هم صنف نوازی‌هایی آن راننده گرفت. پس، نوشتن این یادداشت را به نویسنده آن یادداشت ادر روزنامه شرق مدیونم و متأسفانه حالا هم که دارم این یادداشت را می‌نویسم اصل مطلب چاپ شده در آن روزنامه را ندارم تا بدانم نویسنده‌اش که بود و اسمش را بیاورم. به هر حال خود را سپاسگزار او می‌دانم بابت تلنگری که زد تا چرخ در اطراف این قضیه بزنم و این مختصر نوشته شود.

افشین رستگار

شیرین زبانی بچه‌هایشان را در میهمانی‌های خانوادگی به رخ می‌کشند و یا پز می‌دهند که کوچولویشان به پرتقال بگوید «اورنج»! و یا دستش را نشان بدهد که! «دیس ایزمای هند!» اما آیا واقعاً دامنه چاپ عکس کودکان بر روی جلد مجلات و بی‌آمدهایش در همین حد و ارضای خودخواهی‌های پدر و مادرها برچیده می‌شود؟

### لذت امروز، مشکلات آینده

معمولاً در کشورهای دیگر چاپ عکس کودکان بر روی جلد مجلاتی که مخاطب آن‌ها بزرگسالان هستند چندان رایج نیست و به ندرت می‌توان نشریه‌ای را با مخاطب بزرگسال پیدا کرد که بی‌مناسبت یا دلیل خاصی، عکس بچه‌ای

بچه‌اند و به سن بلوغ نرسیده‌اند، پس چاپ عکسشان نه ترویج چیزی است و نه ضربه‌ای به اخلاق می‌زند. در حالی که چاپ عکس یک زن بازیگر مثلاً می‌تواند جای ایراد داشته باشد و خیلی‌ها را به صرافت این بیاندازد که اعتراض کنند. اما عکس کودکان نه تنها از این نظر مشکلی ایجاد نمی‌کند بلکه پدر و مادر دختر بچه‌ها و گاه پسر بچه‌هایی که عکسشان روی جلد مجلات چاپ می‌شود، پولی هم بابت چاپ آن می‌پردازند به خاطر نوعی کسب لذت از به نمایش گذاشتن زیبایی معصومانه فرزندشان و در واقع خودنمایی بابت این که عکس بچه‌شان روی جلد مجله‌ای چاپ شده است، درست همان‌طور که خیلی از پدر و مادرها

روی بساط روزنامه‌فروشی حضور چهره شاد و معصومان که در زیر لایه‌ای از دستکاری‌های آرایشی پنهان است عادی شده. چشم‌های سبز، آبی، روشن یا تیره و موهایی آراسته به رنگ‌های مختلف، بیشتر شبیه عروسک‌اند، عروسک‌هایی که برای تزئین و تزیین مغازه‌ای آراسته شده‌اند. در اطراف آن‌ها مجلات دیگری هم هست با تصاویری از بازیگران سینما و آرایش‌های سینمایی و همه هم برای جلب توجه مخاطب، تنها تفاوت شاید نوعی مصلحت‌اندیشی پنهان است و این که ظاهراً هیچکس به چاپ عکس این عروسک‌های کوچولو، روی جلد مجلات اعتراض نمی‌کند شاید به این دلیل که آن‌ها



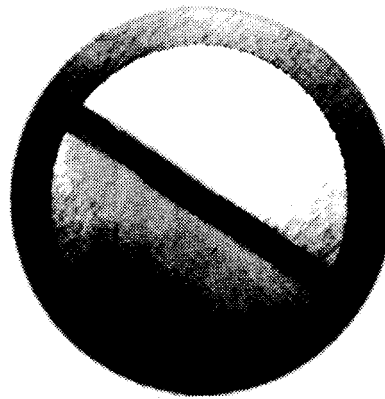
بر روی جلد آن چاپ شده باشد، اما در این جا مخصوصاً در چند سال اخیر این کار به شدت رایج شده و بسیاری از مجلات اجتماعی که عنوان «خانوادگی» را هم یدک می کنند روی جلدشان را با عکس دختر بچه ها و پسر بچه ها تزین می کنند و پدر و مادرها هم بدون توجه به آسیب های احتمالی که از این طریق می تواند متوجه آن ها و فرزندشان بشود از این کار استقبال کرده اند و حتی ظاهر پول هم خرج می کنند تا عکس فرزندشان روی جلد مجله ای چاپ بشود. و برخی از مجلات هم ترجیح می دهند که با چاپ عکس کودکان ضمن حفظ زیبایی و جذابیت جلد مجله از مشکلات احتمالی دیگر هم در امان بمانند، اما نقش روی دیگر سکه چیست؟

### اثرات نامطلوب روانی

یک روانشناس در این مورد می گوید: کودکی که عکسش روی جلد مجله ای چاپ می شود نخستین کسی است که در این ماجرا آسیب می بیند و نخستین لطمه ای که از این طریق به کودک وارد می شود، نوعی احساس متفاوت بودن و خود برتر بینی کاذب است که تا مدتی باعث می شود کودک احساس کند با سایر بچه ها تفاوت دارد، و همین احساس می تواند بین او و همسالانش فاصله ای به وجود بیاورد که این فاصله شکل طبیعی ارتباط کودک با محیط و هم سن و سال هایش را تغییر می دهد. از طرف دیگر این کودکان معمولاً با دیدن تصویر آرایش شده خودشان بر روی جلد یک مجله، بین خود واقعی و خود به اصطلاح مجله ای شان معلق می مانند و از آن جا که تصویر چاپ شده آن ها از سوی والدین و اطرافیان مورد تحسین و تایید و تعریف های متوالی قرار می گیرد، کودک به طور ناخود آگاه دچار نوعی از خود بیگانگی شده و میل به قرار داشتن در آن حد ایده آل و تحسین شده او را از خود واقعی اش دور می کند و حتی ممکن است گاهی این تمایل به وسوسه از خود گریزی و نفرت از خود بیانجامد. از طرف دیگر بچه هایی که عکس خود را روی جلد مجلات می بینند گاهی خود را بزرگ تر از سن واقعی شان احساس می کنند و با توهم خود بزرگ انگاری سعی می کنند رفتارهایی فراتر از رفتارهای مناسب با الگوی سنی خود نشان بدهند که این مسئله هم چه از نظر فردی و چه در شکل اجتماعی می تواند برای کودک خطرناک باشد.

### قربانیان خاموش

بررسی های انجام شده در مورد عکس های کودکان و به ویژه دختران خردسال که بر روی جلد مجلات چاپ می شوند نشان داده است که



این عکس ها، معمولاً پسران نوجوان و تازه بالغ را بیشتر تحت تاثیر قرار می دهد، که این موضوع از جهت ناامنی هایی که ممکن است در محیط خانواده یا بیرون از آن برای کودک به وجود آید قابل بررسی و تامل است و باید مطالعات دقیق تری در این مورد انجام شود. متأسفانه دسترسی به پرونده هایی که در زمینه آزار جنسی کودکان و به ویژه دختر بچه ها و مخصوصاً از سوی افراد نزدیک فامیل تشکیل شده است، آسان نیست و اگر به آماری در این مورد دسترسی داشته باشیم شاید بتوانیم پی آمدهای اجتماعی و احتمالاً خطرناک چاپ این عکس ها را بیشتر بشناسیم. اما متأسفانه آمار دقیقی وجود ندارد، و برخی از خانواده هایی که فرزندشان در معرض آسیب هایی جسمی و بدنی قرار گرفته به خاطر حفظ آبرو از شکایت و حتی طرح مسئله به شدت پرهیز دارند، ضمن این که در موارد زیادی وقایع ناگواری که در این زمینه اتفاق می افتد به گونه ای کاملاً پنهان است و حتی در خانواده هم آشکار نمی شود و تنها قربانی خاموش آن می داند که چه اتفاقی افتاده است.

از سوی دیگر با توجه به این که هیچ جامعه ای خالی از افراد نامتعادل از نظر روانی نیست و در جامعه ما هم متأسفانه چنین افرادی وجود دارند، لزوماً خانواده ها باید با دقت و توجه بیشتری از فرزندان خردسال خود و به ویژه دختران مراقبت کنند و متأسفانه چاپ عکس های گاه آرایش شده دختران خردسال بر روی جلد مجلات می تواند در کاهش ضریب ایمنی لازم برای کودکان نقش تعیین کننده ای داشته باشد و بنابراین می توان برای کودکانی که در قیافه ای بزرگ تر از قیافه معصوم و واقعی شان و بعضاً آرایش شده بر روی جلد مجلات ظاهر می شوند و حتی برای سایر کودکان هم سن و سال آن ها نگران بود چرا که یک فرد بیمار و دچار روان نژندی جنسی می تواند تصویر آرایش شده کودکی را که روی جلد مجله ای چاپ شده است، به کودکان دیگر تعمیم داده و با مشابه سازی ذهنی تمایلات بیمارگونه خود را

متوجه او سازد.

در چنین شرایطی این پرسش اساسی مطرح می شود که آیا استفاده از عکس کودکان بر روی جلد مجلات تنها به این دلیل که به سن بلوغ نرسیده اند و چاپ عکسشان با موانع احتمالی برخورد نمی کند مجاز است؟

آیا انجام چنین کاری آن هم در شرایطی که این نوع مجلات در تیراژ وسیع و در سراسر یک کشور و در بین طبقات مختلف مردم توزیع می شود و به دست هزاران نفر از افراد مختلف می رسد بدون آن که مطالعه ای روانشناسانه در مورد پی آمدهای آن انجام شده باشد می تواند درست و منطقی تلقی شود؟ البته تردیدی نیست که نوشتن این یادداشت به هیچ عنوان به این معنا نیست که چاپ عکس کودکان بر روی جلد مجلات ممنوع شود، بلکه منظور تنها طرح این مسئله است که آیا بهتر نخواهد بود برای چاپ این عکس ها از سوی خود مدیران و سردبیران مجلات ضوابطی تعیین شود تا امکان هر نوع سوء تاثیر احتمالی محدود گردد؟

### ضرورت تحلیل و بررسی آماری

به نظر می رسد آن دسته از پدر و مادرهایی که به هر دلیل و قطعاً از روی علاقه مایل به چاپ عکس فرزندشان بر روی جلد مجلات هستند، اصولاً تصویری در مورد این که این اقدام آن ها ممکن است زیان هایی برای فرزند خودشان یا کودکان دیگر داشته باشد، ندارند و این وظیفه روانشناسان و جامعه شناسان است که از طریق رسانه های جمعی اطلاعات لازم را در این مورد به خانواده ها منتقل کنند و از طرف دیگر باید بررسی شود که چاپ عکس های آرایش شده دختر بچه ها بر روی جلد مجلات به ویژه در جوامع بسته تر، چه مسایلی را ممکن است به وجود آورد و ریشه یابی برخی از جرایم جنسی که متأسفانه در سال های اخیر آمار رو به افزایش داشته است می تواند به پرسش های بسیاری در این مورد پاسخ بدهد و این واقعیت را هم نباید از نظر دور داشت که برای سالم سازی یک جامعه و جلوگیری از وقوع و تکرار جرایم لزوماً باید همه جوانب و علت های احتمالی و حتی زمینه های علت ساز، حتی اگر به ظاهر چندان اهمیتی نداشته باشند مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بنابراین انتظار داریم چه از سوی همکاران مطبوعاتی و چه صاحب نظران اجتماعی این موضوع با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد و ما نیز آماده ایم تا با انعکاس نظرات مخالف و موافق و راهکارهای پیشنهادی نقش خود را در بررسی جدی این مسئله ایفا کنیم.